

India's Challenges in Engaging with the Taliban for Access to Central Asia

Fardin Hashemi¹ 

DOI: [10.48308/piaj.2026.242698.1821](https://doi.org/10.48308/piaj.2026.242698.1821) Received: 2025/11/29 Accepted: 2026/5/31

Original Article

Extended Abstract

Introduction: India's expanding economic interests and ambition for a greater regional role have led New Delhi to prioritize Central Asia, especially amid competition with China and Pakistan. Because India lacks direct geographical contiguity, securing a stable foothold in Afghanistan is essential for reliable transit access to Central Asia. During the two-decade international presence in Afghanistan, India therefore supported stability and security while opposing the Taliban. However, the Taliban's return has intensified India's strategic dilemmas, particularly because Pakistan, bordering India to the west, maintains a patron-client relationship with the Taliban and blocks India's overland access to Afghanistan. To manage this hostile geopolitical environment, India must follow a dual strategy: building a pragmatic diplomatic relationship with the Taliban and bypassing Pakistan through alternative transit routes, especially Iran's Chabahar Port. The central research question asks: How can India overcome the structural and diplomatic challenges of engaging with the Taliban to secure sustainable access to Central Asia?

Methods: This study employs a qualitative, descriptive-analytical framework to assess the core hypothesis. First, regional geopolitics, spatial constraints, and infrastructural bottlenecks are empirically mapped to establish baseline conditions. Second, drawing on official strategic doctrines, multilateral transit agreements, and foreign policy briefs, it analyzes India's motivations, objectives, and efforts to mitigate connectivity challenges. The analysis focuses on the causal relationship between the independent variable, Afghanistan's geopolitical orientation, and the dependent variable, India's strategic access to Central Asia. Data were collected through a systematic, library-based document-

1. PhD in International Relations, Faculty of Law & Political Science, Tajik National University, Dushanbe, Tajikistan. Fardinhashemi010@gmail.com



tary method.

Results and discussion: The findings indicate that India's connectivity constraints regarding Central Asia are not simply the result of geographical isolation or Pakistan's revisionist posture; rather, they stem from a geopolitical rearrangement of the Afghan pivot and the changing strategic logic of the actors operating within it. From the perspective of classical geopolitical theory, Afghanistan has moved beyond its traditional role as a passive buffer state and emerged as a competitive geopolitical and geo-economic node, where alignment directly reshapes the regional distribution of power. The main finding shows that the Taliban's resurgence has pushed India to shift from a normative, ideologically driven foreign policy toward pragmatic geopolitical activism. In this context, engagement with the Taliban is not optional but a structural prerequisite for balancing Chinese and Pakistani regional hegemony. Moreover, New Delhi's outreach is not merely reactive containment of Islamabad, but a proactive effort to redefine India's role in the wider Eurasian corridor network. Accordingly, Chabahar Port and the INSTC function as geopolitical balancing mechanisms that reduce Pakistani leverage and contain China's BRI.

Conclusions: India faces deep geopolitical and security impediments in realizing its Central Asian strategic ambitions. Structural competition with China and Pakistan, coupled with the complex task of engaging the volatile Taliban, constitute primary barriers. However, India can mitigate these vulnerabilities by leveraging core geopolitical principles. A critical solution lies in institutionalizing transactional relations with the Taliban through targeted economic assistance, thereby transforming Afghanistan into a secure transit corridor. Ultimately, developing robust trade infrastructure via the Afghan-Iranian axis will enable India to erode Pakistan's veto power, diversify commercial routes, and consolidate its broader geopolitical standing throughout Eurasia.

Keywords: India's geopolitical territory, Central Asia, India-Pakistan confrontation, Taliban government in Afghanistan, Iran's Chabahar port.

Citation: Hashemi, Fardin. 2026. India's Challenges in Engaging with the Taliban for Access to Central Asia, *Political and International Approaches*, Summer, Vol 18, No 2, PP 67-86.



چالش‌های هند در تعامل با طالبان برای دسترسی به آسیای مرکزی

فردین هاشمی^۱

DOI: [10.48308/piaj.2026.242698.1821](https://doi.org/10.48308/piaj.2026.242698.1821)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۳/۱۰

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: منافع اقتصادی گسترده هند و تمایل به ایفای نقش منطقه‌ای بیشتر هند را مجبور کرده تا در رقابت با کشورهایمانند چین و پاکستان توجه ویژه‌ای به منطقه آسیای مرکزی داشته باشد. به دلیل عدم نزدیکی جغرافیایی اگر هند بتواند جایگاه خود را در افغانستان تثبیت کند می‌تواند از طریق خاک این کشور به آسیای مرکزی دسترسی پایدار داشته باشد. به همین دلیل در طول بیست سال اشغال، هند تلاش کرد تا ثبات و امنیت را در افغانستان برقرار کند و با گروه طالبان درگیر بوده است. اکنون با حاکمیت طالبان در افغانستان چالش‌های هند دو چندان شده است، زیرا پاکستان که در غرب هند واقع شده است متحد طالبان است و مانع ارتباط زمینی هند با افغانستان می‌شود. بنابراین هند ابتدا باید با طالبان روابط دوستانه برقرار کند و ثانیاً برای رسیدن به خاک افغانستان باید پاکستان را که مهمترین مسیر جایگزین برای بندر چابهار ایران است دور بزند. هدف از این مطالعه بررسی چالش‌های هند و نقش افغانستان در استراتژی هند برای رسیدن به آسیای مرکزی است. سوال این است که چگونه هند می‌تواند چالش‌های موجود در تعامل با طالبان را برای دسترسی به آسیای مرکزی برطرف کند؟

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به آزمون فرضیه پرداخته است. در این راستا ابتدا ژئوپلیتیک منطقه، موقعیت جغرافیایی و موانع آن به همان شکلی که هستند توصیف می‌شوند و رویدادها و تحولات منطقه به همان شکلی که رخ داده‌اند توصیف می‌شوند. در ادامه با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده از منابع مختلف، اهداف، انگیزه‌ها و تلاش‌های هند برای غلبه بر چالش‌های رسیدن به آسیای مرکزی و همچنین نقش افغانستان در این زمینه را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. در این مرحله رابطه بین متغیرهای مستقل (نقش افغانستان) و متغیرهای وابسته (دسترسی هند به آسیای مرکزی) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که چالش هند در دسترسی به آسیای مرکزی صرفاً ناشی از فقدان

۱. دکترای روابط بین الملل، دانشگاه ملی تاجیکستان، دوشنبه، تاجیکستان. Fardinhashemi010@gmail.com



پیوستگی جغرافیایی یا خصوصیت پاکستان نیست، بلکه محصول بازآرایی ژئوپلیتیکی فضای واسط افغانستان و تغییر منطق کنش بازیگران در آن است. بر اساس نظریه ژئوپلیتیک، افغانستان دیگر صرفاً «گذرگاه» نیست، بلکه به یک گره رقابتی ژئوپلیتیک-ژئواکونومیک تبدیل شده که کنترل یا همسویی با آن توزیع قدرت منطقه‌ای را دگرگون می‌سازد. یافته اصلی مقاله نشان می‌دهد که بازگشت طالبان هند را ناگزیر از گذار از رویکرد هنجاری-ایدئولوژیک به کشگری عمل‌گرایانه ژئوپلیتیکی کرده است، به گونه‌ای که تعامل با طالبان نه یک انتخاب، بلکه شرط موفقیت در رقابت منطقه‌ای با چین و پاکستان است. همچنین تعامل هند با طالبان صرفاً واکنشی به پاکستان نیست، بلکه تلاشی برای بازتعریف موقعیت هند در شبکه کریدورهای اوراسیا و جلوگیری از حاشیه‌رانی ژئواکونومیک در نظم نوظهور منطقه‌ای است. بر اساس یافته‌ها بندر چابهار و کریدور شمال-جنوب نیز فقط مسیرهای فنی حمل‌ونقل نیستند، بلکه ابزارهای موازنه ژئوپلیتیکی برای هند محسوب می‌شوند که امکان کاهش فشار ژئوپلیتیکی پاکستان و مهار نفوذ چین را فراهم می‌کنند. در نتیجه موفقیت راهبرد هند منوط به تبدیل افغانستان از «میدان رقابت امنیتی» به «فضای همساز ترانزیتی» است. این تحول بدون تعامل هدفمند با طالبان و پیوند آن با معماری اتصال منطقه‌ای ممکن نخواهد بود.

نتیجه‌گیری: هند برای تحقق اهداف استراتژیک خود در آسیای مرکزی و تضمین نفوذ در این منطقه با چالش‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی مواجه است. رقابت با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی مانند چین و پاکستان و همچنین نقش طالبان به عنوان گروه سابقا غیرهمسو در افغانستان از جمله موانع مهم پیش روی هند است. با این حال هند می‌تواند با بهره‌گیری از اصول ژئوپلیتیک این چالش‌ها را پشت سر بگذارد. یکی از راهکارهای تأثیرگذار تقویت روابط استراتژیک با طالبان و کمک‌های اقتصادی است که هند را قادر می‌سازد از طریق افغانستان به آسیای مرکزی دست یابد. در چارچوب نظریه ژئوپلیتیک افغانستان باید به عنوان یک کریدور ترانزیتی امن و همسو با منافع هند عمل کند. توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی و تجاری در افغانستان به هند کمک خواهد کرد تا از وابستگی به پاکستان کاسته و ارتباطات خود با آسیای مرکزی را تسهیل کند. روابط مستمر دیپلماتیک و اقتصادی با طالبان می‌تواند موقعیت هند را تقویت کند.

واژگان کلیدی: قلمرو ژئوپلیتیک هند، آسیای مرکزی، تقابل هند و پاکستان، حکومت طالبان در افغانستان، رابطه استراتژیک.

استناددهی: هاشمی، فردین. ۱۴۰۵. چالش‌های هند در تعامل با طالبان برای دسترسی به آسیای مرکزی، تابستان، سال ۱۸، شماره ۲، ۸۶-۶۷.

مقدمه

آسیای مرکزی به دلیل پیوندهای تمدنی و فرهنگی طولانی مدت با هند همواره بخش مهمی از استراتژی‌های خارجی این کشور بوده است. در دوران جنگ سرد هند بر اساس سیاست عدم تعهد عمل می‌کرد و حضور آن در آسیای مرکزی عمدتاً به تبادل‌های فرهنگی محدود می‌شد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی هند با فرصت‌های اقتصادی جدیدی برای دسترسی به منابع انرژی و تجارت مواجه شد. با این حال نگرانی‌هایی از رشد بنیادگرایی مذهبی، به ویژه طالبان وجود داشت که بر سیاست خارجی هند در قبال منطقه تأثیر گذاشت. افغانستان به عنوان نقطه استراتژیک در قلب آسیای مرکزی همواره برای هند به عنوان گذرگاهی مهم برای نفوذ به این منطقه محسوب می‌شود. هند برای تحقق اهداف استراتژیک خود در آسیای مرکزی نیازمند دستیابی به افغانستان است، اما افغانستان از لحاظ جغرافیایی به طور مستقیم با هند مرز ندارد. در این شرایط پاکستان که متحد طالبان و مخالف نفوذ هند در افغانستان و منطقه است، ترانزیت کالاهای هندی را از خاک خود مسدود کرده است.

بنابراین هند برای دستیابی به آسیای مرکزی به مسیری جایگزین نیاز دارد و بندر چابهار ایران به عنوان یک کریدور ترانزیتی مهم برای هند در نظر گرفته می‌شود. با این حال تحولات سیاسی افغانستان و تسلط طالبان بر این کشور در سال ۲۰۲۱، چالش‌های هند را پیچیده کرده است. در دوران اشغال افغانستان توسط امریکا، هند روابط پرتنش با طالبان داشت و از دولت مرکزی افغانستان حمایت می‌کرد. تسلط طالبان ضربه‌ای به ابتکارات زیربنایی هند وارد کرد که بسیاری از آنها با منافع استراتژیک و اقتصادی هند هم‌راستا بودند. از سوی دیگر پاکستان با حمایت از طالبان نفوذ خود را در افغانستان تقویت کرده، اگرچه اخیراً تنش‌هایی در روابط دو کشور شکل گرفته است. در این شرایط و در مجموع هند ناچار است رویکرد خود را نسبت به طالبان تغییر دهد. این تغییر در حالی رخ می‌دهد که ایران به عنوان یکی از شرکای مهم هند در منطقه تحت تحریم‌های ایالات متحده قرار دارد و روابط گسترده‌ای با چین به عنوان دیگر رقیب عمده هند برقرار کرده است. بنابراین هند باید روابط خود را با طالبان و ایران تقویت کند تا از ظرفیت‌های بندر چابهار بهره‌برداری کند.

برای تحقق اهداف خود در آسیای مرکزی هند نیاز دارد تا روابط خود را با طالبان به گونه‌ای تنظیم کند که منافعش در این منطقه تأمین شود. یکی از راهکارهای مؤثر توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی در افغانستان است که می‌تواند به هند کمک کند تا از وابستگی به پاکستان کاسته و ارتباطات خود با آسیای مرکزی را تسهیل کند. این مقاله به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های هند در تعامل با طالبان برای دسترسی به آسیای مرکزی پرداخته و بررسی می‌کند که چگونه هند می‌تواند این چالش‌ها را برطرف کند. فرضیه اصلی این تحقیق بر این است که تقویت روابط استراتژیک با طالبان و همکاری با ایران می‌تواند مهم‌ترین چالش‌های هند را در مسیر دسترسی به آسیای مرکزی برطرف کند. در نهایت هند باید از ظرفیت‌های دیپلماتیک، اقتصادی و زیرساختی خود برای تبدیل افغانستان به کریدوری امن و همسو با منافع هند استفاده کند. همچنین همکاری با ایران از طریق بندر چابهار و توسعه زیرساخت‌های تجاری می‌تواند به هند در غلبه بر چالش‌های منطقه‌ای و جهانی کمک کند و موقعیت هند را در رقابت با قدرت‌های دیگر، به ویژه چین و پاکستان تقویت نماید.

۱. پیشینه پژوهش

فیاض الدین قیاسی (۲۰۲۵)، در مقاله «افغانستان در اجلاس مرکز هند و آسیای مرکزی»، به بررسی روابط هند با کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان پس از خروج آمریکا از این کشور می‌پردازد. همچنین چالش‌ها و فرصت‌های همکاری با آسیای مرکزی و نقش افغانستان در استراتژی هند برای تقویت توسعه منطقه‌ای بررسی شده است. آنچیتا باراتا کور (۲۰۲۵)، در مقاله «گذر از پیچیدگی‌ها: دیپلماسی استراتژیک هند در قبال طالبان ۲۰۰۰ در افغانستان»، به گسترش روابط هند و طالبان پرداخته و دلایل آن را الزامات اقتصادی و ژئوپلیتیکی، مبارزه با تروریسم، مسائل بشردوستانه، شکاف فزاینده طالبان با پاکستان و همچنین دسترسی به آسیای مرکزی می‌داند. شالینی چاولا (۲۰۲۵)، در مقاله «ژئوپلیتیک و دیپلماسی، رویکرد هند به طالبان ۲۰۰۰: محتاطانه و مداوم. صداهای آسیای جنوبی»، به این مسئله می‌پردازد که هند از جهات مختلفی بویژه ترس از گسترش افراطگرایی و تروریسم نیاز به تعامل با طالبان دارد و این مسئله با رویکرد اولویت با همسایه این کشور هماهنگ است، کما اینکه هند طالبان کنونی را مستقل‌تر، منطقی‌تر و دارای مشروعیت داخلی بیشتری نسبت به دوره اول حکومت آنها می‌داند.

آموس (۲۰۲۴)، در مقاله‌ای با عنوان «افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی هند»، به اهداف هند در آسیای مرکزی، رقابت با چین و سایر کشورها در این منطقه و نیاز به بندر چابهار ایران برای رسیدن به آسیای مرکزی اشاره کرده است. مؤمنی و چهارمحالی (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه آسیای مرکزی در سیاست خارجی جدید هند: برداشت‌هایی برای ایران»، به دو مسئله اصلی در این تحقیق پرداخته است؛ ۱) اهمیت آسیای مرکزی برای هند، ۲) منافع ایران از قبل همکاری هند و آسیای مرکزی. براری ریکنده و مظفری (۲۰۲۳)، در مقاله «جمهوری‌های آسیای مرکزی: تغییر چشم‌انداز سیاست خارجی هند تحت رهبری نارندرا مودی»، علاوه بر طرح اهمیت منطقه آسیای مرکزی برای هند، به تلاش این کشور در دوره نخست وزیری مودی از ۲۰۱۴ به بعد برای نفوذ در این منطقه پرداخته است.

پرادان (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای با عنوان «گسترش منافع هند در سیاست‌های آسیای مرکزی، مسائل و چالش‌ها»، به چالش‌ها و ضعف حضور هند در آسیای مرکزی در رقابت با کشورهای نظیر چین، روسیه، پاکستان و آمریکا پرداخته و به اهمیت منافع استراتژیک هند در آسیای مرکزی از نظر ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک اشاره کرده است. کائورا (۲۰۱۷)، در مقاله «اهداف هند در آسیای مرکزی و روابط مثلی هند، افغانستان و ایران»، علاوه بر طرح اهداف اقتصادی هند، به بررسی منافع می‌پردازد که انگیزه تلاش‌های اخیر هند برای افزایش تعامل خود با کشورهای آسیای مرکزی است، اینکه چگونه روابط مثلی هند، افغانستان و ایران در خدمت این منافع است مورد بررسی قرار گرفته است.

بهاتاگار (۲۰۱۴)، در مقاله‌ای با عنوان «عامل افغانستان در رویکرد هند به آسیای مرکزی»، به بررسی چگونگی تسهیل اهداف هند در قبال آسیای مرکزی توسط افغانستان می‌پردازد. البته این مقاله دوره طالبان را در بر نمی‌گیرد. به طور کلی، با بررسی مهمترین منابع موجود، می‌توان دو نقطه ضعف اساسی را شناسایی نمود که پژوهش حاضر در صدد رفع آن است. ۱) ادبیات پژوهش به زبان فارسی به شدت ضعیف است، ۲) منابع انگلیسی نیز اولاً اغلب به دوره قبل از حاکمیت طالبان پرداخته، ثانیاً هر کدام بعد خاصی از

سیاست هند در قبال آسیای مرکزی را بررسی کرده‌اند، در حالی که پژوهش حاضر با دیدگاهی جامع‌تر هم به منافع هند در آسیای مرکزی پرداخته، هم چالش‌ها را بررسی کرده و هم به نقش طالبان و ایران در این مسیر پرداخته و به روزترین تحولات را بررسی کرده است.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به آزمون فرضیه پرداخته است. در این راستا ابتدا ژئوپلیتیک منطقه، موقعیت جغرافیایی و موانع آن به همان شکلی که هستند توصیف می‌شوند و رویدادها و تحولات منطقه به همان شکلی که رخ داده‌اند توصیف می‌شوند. در ادامه با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده از منابع مختلف اهداف، انگیزه‌ها و تلاش‌های هند برای غلبه بر چالش‌های رسیدن به آسیای مرکزی و همچنین نقش افغانستان در این زمینه تحلیل می‌شوند. در این مرحله رابطه بین متغیرهای مستقل (نقش افغانستان) و متغیرهای وابسته (دسترسی هند به آسیای مرکزی) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. داده‌ها نیز به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند. بر این اساس مقاله به منابع اولیه و ثانویه متکی است. منابع اولیه شامل اسناد دولتی، بیانیه‌های رسمی و توافقات دیپلماتیک است، در حالی که منابع ثانویه شامل مقالات، کتاب‌ها، اخبار، تحلیل‌ها و گزارش‌های علمی است.

۳. مباحث نظری؛ ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک را می‌توان به عنوان مطالعه چگونگی تأثیر ملاحظات جغرافیایی بر پویایی سیاسی قدرت درک کرد. «ژئوپلیتیک مطالعه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری سیاسی است که جغرافیای یک منطقه را عامل مهمی در شکل دادن به سیاست خارجی یک ملت می‌داند» (Kumar Singh & Kumar Singh, 2024: 32). بنابراین مطالعات ژئوپلیتیکی تأکید می‌کند که «چگونه پیکربندی جغرافیایی مانند موقعیت، آب و هوا، منابع طبیعی، جمعیت، زمین و امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی، فضایی، هوایی) بر سیاست خارجی دولت‌ها تأثیرگذار است» (Nandan et al, 2022: 105).

ژئوپلیتیک به عنوان دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ دولت‌ها درصدد کسب قدرت و تصرف ابزارها و اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آن‌ها امکان چیره شدن بر رقیب را می‌دهد. آن‌ها برای به دست آوردن فرصت‌ها و مقدورات در مکان و فضای جغرافیایی به رقابت پرداخته و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضاهای جغرافیایی بیشتر توسعه داده و آن‌ها را به قلمرو اعمال اراده خود بیافزایند و برعکس رقبا را از فضاهای درگیر بیرون برانند. «در این منازعه و رقابت عواملی مانند: مسائل مذهبی-ایدئولوژیکی، آب، انرژی، دسترسی و ارتباطات، ترانزیت و حمل و نقل و تسلط بر منابع و ذخایر منطقه نقش اصلی را ایفا می‌کنند» (محرابی و اقتدارنژاد، ۱۳۹۳: ۲۰۸). معمولاً کشورهای رقیب در سطوح منطقه‌ای از محدودیت‌های ژئوپلیتیکی علیه همدیگر استفاده می‌کنند.

همچنین باید به چالش ژئوپلیتیکی اشاره کرد که «ایجاد وضعیت دشوار برای یک دولت یا کشور بر پایه عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی است که طی آن سیاست آن کشور با استفاده از متغیرها و عوامل

جغرافیایی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به دیگر سخن، از رهگذر به کارگیری عوامل و ارزش‌های جغرافیایی علیه کشور رقیب، سیاست و راهبرد ملی آنها دچار انفعال می‌شود. هدف اولیه هر چالش ژئوپلیتیکی، منفعل‌سازی طرف مقابل برای تغییر رفتار است» (محمدی و زارعی، ۱۴۰۳: ۶۴). روابط درون منطقه‌ای بر اساس سلسله‌مراتب قدرت تنظیم می‌شود؛ به گونه‌ای که رقابت میان قدرت‌های تراز اول و دوم، مانند هند و پاکستان اغلب ماهیتی خصومت‌آمیز پیدا می‌کند.

در مقابل رابطه قدرت‌های برتر با کشورهای سطوح پایین‌تر، نظیر پیوند هند و افغانستان بر پایه نفوذ و اعمال سلطه غیرمستقیم از طریق ابزارهای قدرت نرم استوار است. این الگوی ساختاری نشان می‌دهد که چگونه جایگاه دولت‌ها در هرم قدرت نوع همگرایی یا ستیز را در مناسبات منطقه‌ای تعیین می‌کند (حسین‌پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۷). در پژوهش حاضر نشان داده می‌شود که چگونه چالش‌های ژئوپلیتیکی رقابت هند و پاکستان را در افغانستان شکل داده و هندوستان برای فائق آمدن بر این چالش‌ها چه راهکارهایی اندیشیده است. در ادامه به قلمرو ژئوپلیتیک هند اشاره می‌شود.

قلمرو ژئوپلیتیک هند عبارت است از «جنوب آسیا و حوزه اقیانوس هند، جنوب شرق و غرب آسیا و اوراسیای مرکزی» (حسین‌پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴). سیاست خارجی هند یک چشم‌انداز ژئواستراتژیک را متصور است که حول سه دایره تعامل متحدالمرکز و در حال گسترش است؛ «در دایره اول کشورهای همسایه نزدیک قرار دارند. این دایره شامل جنوب آسیا است که از افغانستان در غرب تا میانمار در شرق امتداد دارد. هند موقعیت مسلط در جنوب آسیا دارد و به دنبال برتری و اعمال نفوذ برای مقابله با دخالت خارجی است. دایره دوم همسایگی گسترده را در بر می‌گیرد که شامل مناطق مجاور آسیای جنوبی، از جمله غرب آسیا، آسیای مرکزی، آسیای جنوب شرقی و منطقه اقیانوس هند است. در این حوزه هند قصد دارد تأثیر قدرت‌های دیگر را متعادل کند و از تضعیف منافع خود توسط آنها جلوگیری به عمل آورد» (Mohan, 2006: 18). در نهایت دایره سوم کل جهان را در بر می‌گیرد. «هدف در این حلقه ایفای نقش فعال در شکل دادن به امور جهانی، مشارکت در مسائل با اهمیت جهانی و مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری بین‌المللی است» (Gurjar, 2023: 51).

به این دلیل که هند در نقشه‌های استراتژیک خود افغانستان را بخشی از منطقه جنوب آسیا لحاظ می‌دارد «افغانستان را باید در دایره اول قرار داد» (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۸). کنترل افغانستان به معنای کنترل استراتژیک بر مسیرهای تجاری آنهاست. از نظر مفهومی «افغانستان نقطه کانونی منافع استراتژیک و تقاطع مبارزه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک برای قدرت و تسلط در منطقه است» (Nandan et al, 2022: 106). به همین دلیل در راهبرد منطقه‌ای هند، افغانستان نقش بی‌بدیلی دارد. افغانستان دروازه ورود هند به آسیای مرکزی محسوب می‌شود.

هند به لحاظ مزیت‌های ژئوپلیتیکی هدف اصلی اش تسلط بر منطقه جنوب آسیا است، ولی با لحاظ داشتن این مطلب که ژئوپلیتیک همواره در حال تحول است، استراتژی هند نیز دچار تغییر شده و به دیگر مناطق از جمله آسیای مرکزی متمایل شده است. «در آغاز دهه ۱۹۹۰، هند متوجه شد که از نظر توسعه اقتصادی از سایر اقتصادهای آسیایی از جمله چین عقب مانده است. با رهایی تدریجی از قید سوسیالیسم

و فشار فزاینده برای رقابت با سایر اقتصادهای نوظهور، استراتژی دیپلماتیک هند نیز وارد برخی حوزه‌های جدید شده است که قبلاً پا در آن نگذاشته است». (Xuezh, 2021: 228)

استراتژیست‌های هند بر این باورند که «منطق جغرافیا بی‌وقفه است و اینکه جغرافیا به هند یک موقعیت منحصر به فرد در ژئوپلیتیک قاره آسیا می‌دهد، به طوری که ردپای آنها بسیار فراتر از آسیای جنوبی است و منافع‌شان در زیرمجموعه‌های مختلف آسیا بویژه آسیای مرکزی قرار دارد. برای هند آسیای مرکزی در مرزهای شمالی قرار دارد و منطقه اقتصادی انحصاری از آب‌های خلیج فارس تا تنگه مالاکا را در بر می‌گیرد». (Gurjar, 2023: 52) بدین ترتیب مشخص می‌شود که آسیای مرکزی نیز در قلمرو ژئوپلیتیک هند قرار داشته و می‌باید به این منطقه نفوذ کند.

۴. فرصت‌ها و چالش‌های هند در دستیابی به آسیای مرکزی

در این قسمت در ابتدا به اهمیت آسیای مرکزی برای هند که در واقع فرصت‌های این کشور در این منطقه است، در ادامه به چالش‌های آن و در نهایت به راهکارهای فائق آمدن بر چالش‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۱. فرصت‌ها

آسیای مرکزی دارای فراوانی منابع معدنی طبیعی مانند ذخایر هیدروکربن و سنگ معدن اورانیوم و همچنین دارای پتانسیل عظیم انرژی آبی و همچنین بازار وسیعی با میلیون‌ها مصرف کننده است. «این منطقه به محوری برای ارتباطات اقتصادی و تجاری بین قاره‌ای تبدیل شده است». (Kothari, 2020: 100) هند به عنوان یک اقتصاد در حال رشد نیازمند دسترسی به منابع طبیعی برای حفظ رشد اقتصادی خود است. با رشد اقتصاد هند تقاضا برای انرژی و نیاز به تنوع بخشیدن منابع افزایش یافت. «قزاقستان و ازبکستان تأمین کننده اورانیوم هند هستند که از نظر استراتژیک برای صنعت انرژی هسته‌ای هند اهمیت زیادی دارد. ترکمنستان تأمین کننده گاز هند است. در سال‌های اخیر هند و قرقیزستان «مجمع تجاری هند و قرقیزستان» را تأسیس کرده‌اند. موقعیت جغرافیایی تاجیکستان نیز در مرکز آسیای مرکزی دارای منافع استراتژیک زیادی برای هند است». (Rowden, 2020)

همچنین سرمایه‌گذاری‌های هند در آسیای مرکزی بر بخش‌هایی مانند «اکتشاف نفت و گاز، داروسازی، معدن، کشاورزی و صنایع کوچک» متمرکز شده است. (Barari Reykandeh & Mozaffari, 2023: 16-18) بنابراین آسیای مرکزی هم بازار خوبی برای صادرات کالاهای هندی و هم منطقه‌ای با منابع فسیلی و سوخت مورد نیاز تأسیسات هسته‌ای هند (اورانیوم) است. هدف دیگر هند مهار رقیب استراتژیک خود یعنی پاکستان است، «زیرا با افزایش عمق استراتژیک خود در آسیای مرکزی می‌تواند از محاصره شدن توسط پاکستان جلوگیری کند و از طریق جغرافیای این محل تحرکات پاکستان را تحت نظر قرار دهد. همچنین این عمل می‌تواند منجر به محاصره سیاسی پاکستان شود، زیرا هند را قادر می‌سازد از طریق همکاری‌های نظامی‌اش در آسیای مرکزی پاکستان را از دو طرف افغانستان و آسیای مرکزی در شمال غرب و مرزهای شرقی پاکستان به هند در شرق تحت فشار قرار دهد» (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۲).

به این مسئله هم باید اشاره کرد که در صورت حضور فعال در آسیای مرکزی هند می‌تواند به صورت مؤثری علیه تروریسم، افراط‌گرایی و بنیادگرایی اسلامی مقابله کند. در نهایت «جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌توانند از وضعیت نوظهور قدرت منطقه‌ای-جهانی هند حمایت کنند» (Pradhan, 2018: 48) بنابراین آسیای مرکزی از جهات بسیاری برای هند ارزشمند است، ولی هند با چالش‌های زیادی برای رسیدن به این منطقه رو به رو است که عمده آن محذوریت‌های جغرافیایی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی است.

۴-۲. چالش‌های دستیابی هند به آسیای مرکزی

هند برای دستیابی به آسیای مرکزی با چالش‌های پیچیده‌ای روبروست، زیرا هیچ مرز مشترکی با این منطقه ندارد و باید از خاک پاکستان عبور کند که به دلیل روابط تیره با پاکستان دشوار است. در ادامه به مهمترین این چالش‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۲-۱. چالش طالبان در افغانستان

افغانستان برای هند علاوه بر جایگاه راهبردی در رقابت با پاکستان مسیری حیاتی برای دسترسی به منابع انرژی و بازارهای آسیای مرکزی محسوب می‌شود. از این رو تعمیق نفوذ در افغانستان توازن قدرت منطقه‌ای را به نفع دهلی‌نو تغییر داده و سود اقتصادی حاصل از این پیوند سرمایه‌گذاری هند را در کوتاه‌مدت باز می‌گرداند. نه تنها به عنوان یک سکوی پرش برای ستیزه جویان ضد هند، بلکه به عنوان یک پایگاه برای پاکستان در نظر گرفته می‌شود. (Campbell, 2013: 7) برای هند ضرورت دارد که در افغانستان یک حکومت دوست حاکم باشد. تحت حاکمیت رژیم طالبان (۲۰۰۱-۱۹۹۶)، هند هر نفوذ اندکی را که در طول سال‌های جنگ داخلی در افغانستان حفظ کرده بود از دست داد. برای تقویت جایگاه خود هند شروع به حمایت از گروه‌های مخالف طالبان و تجهیز آنان نمود. هند توان دفاعی اتحاد شمال را با فراهم ساختن تجهیزات جنگی تقویت نموده و محققان و مشاوران هندی به اتحاد شمال مشاوره‌های تاکتیکی می‌دادند (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۴). پس از سرنگونی طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱، هند با اجتناب از هرگونه درگیری نظامی، رویکرد قدرت نرم را در قبال افغانستان با تمرکز بر مسائل غیرنظامی اتخاذ کرد. بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱، هند بیش از ۵۰۰ پروژه در ۳۴ ولایت افغانستان داشت که بخش‌های مختلف در توسعه، بازسازی و ظرفیت‌سازی را پوشش می‌داد. هند به یکی از بزرگترین شرکای توسعه افغانستان تبدیل شد و بیش از ۳ میلیارد دلار کمک در همان دوره ارائه نمود. (Shekhawat, 2023: 4)

همه این موارد به هند کمک کرد تا جایگاه خود را در افغانستان تثبیت کرده و به فکر نفوذ در آسیای مرکزی از طریق این کشور باشد. هند در این راستا اقداماتی را برای ایجاد زیرساخت‌ها در افغانستان انجام داد که می‌توانست به طور مؤثر به عنوان پل ارتباطی به آسیای مرکزی مورد استفاده قرار گیرد. هند از ابتکار راه ابریشم جدید^۱ حمایت جدی داشته و آن را بلوک سازنده چشم‌انداز هند برای افغانستان به عنوان قطبی که آسیای مرکزی و جنوبی را از طریق خطوط لوله، مسیرهای تجاری و ترانزیتی به هم پیوند می‌دهد می‌داندست. (Bhat-nagar, 2014: 2) هند سرمایه‌گذاری قابل توجهی در تلاش برای تحقق پتانسیل ترانزیتی افغانستان کرده است.

1. New Silk Road Initiative

هند با تأمین مالی بزرگراه زرنج-دلارام و توافق سه‌جانبه برای توسعه بندر چابهار، کریدورهای ترانزیتی شمال-جنوب را جهت اتصال شبه‌قاره به آسیای مرکزی تقویت کرده است. این زیرساخت‌ها نه تنها ولایات کلیدی افغانستان را به هم پیوند می‌دهند، بلکه با فراهم‌سازی دسترسی این کشور به دریای عرب از طریق خاک ایران پتانسیل‌های تجاری منطقه را به شدت افزایش می‌دهند. این اقدامات راهبردی ضمن کاهش وابستگی‌های سنتی، بستری مستحکم برای گسترش نفوذ سیاسی و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی پایدار هند در قلب آسیا فراهم آورده است. (Kaura, 2017: 29) هند همچنین نقش مهمی را در ساخت جاده‌هایی ایفا کرده که ارتباط افغانستان با بنادر استراتژیک را بهبود بخشیده و در نتیجه وابستگی کابل به پاکستان را کاهش داده است. تلاش هند برای توسعه بندر چابهار در ایران نیز مبتنی بر این واقعیت است که هند را با مناسب‌ترین گزینه برای دسترسی به افغانستان فراهم می‌کند، زیرا پاکستان بارها از ارائه ترانزیت زمینی به کالاهای هندی که از طریق خاک خود به مقصد افغانستان می‌رود خودداری کرده است. (Ahmad Ganaie & Ahmad Ganaie, 2022: 4)

هند تلاش برای توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز برای دستیابی به آسیای مرکزی از طریق افغانستان را ادامه داد، ولی با تشدید جنگ در افغانستان در ماه‌های جولای و آگوست ۲۰۲۱، کنسولگری خود را در قندهار بست، دیپلمات‌ها و پرسنل خود را تخلیه و فعالیت در کنسولگری‌های خود در هرات و جلال‌آباد را متوقف کرد. سفارت هند نیز تعطیل شد و شروع به تخلیه شهروندان خود نمودند. (Shekhawat, 2023: 6) بدین ترتیب یک دوره بیست ساله از حضور و فعالیت هند در افغانستان رو به اتمام نهاد و همه طرح‌های این کشور برای دسترسی به آسیای مرکزی از طریق افغانستان متوقف گردید. مهمتر از همه عرصه رقابت در افغانستان نیز به پاکستان و چین واگذار شد.

۴-۲-۲. چالش پاکستان و چین

روابط هند و پاکستان متأثر از کشمیر بوده به گونه‌ای که حتی تا مرز برخورد هسته‌ای نیز پیش رفته‌اند. طی بیش از ۶۰ سال این دو کشور ۴ جنگ را بر سر جامو و کشمیر تجربه کرده‌اند. پاکستان هرگونه حرکت هند در افغانستان را یک تهدید می‌داند و برای مقابله با آن از گروه‌های اسلام‌گرا و شبه نظامی در افغانستان و کشمیر هند حمایت می‌کند. (Kumar Singh & Kumar Singh, 2024: 3) این پویایی به نوبه خود بر تعاملات دیپلماتیک بین کابل و دهلی‌نو تأثیر منفی گذاشت. در دوره حکومت اول طالبان هند نفوذ خود را در افغانستان از دست داد. در دوره جمهوری هند کابل را تقویت کرد تا اطمینان حاصل کند که یک رژیم اسلام‌گرای رادیکال وابسته به تشکیلات امنیتی پاکستان جایگاهی در منطقه پیدا نکند. (Kaura, 2023: 2)

با این حال بسیاری بر این باور بودند که خروج امریکا از افغانستان نفوذ استراتژیک بیشتری به پاکستان می‌دهد و گروه‌های همسو با منافع آن‌ها را قدرتمند می‌کند. زیرا پاکستان نقش مهمی در تسلیح، پناه دادن، تأمین مالی و حتی احیای طالبان افغانستان پس از سال ۲۰۰۱ ایفا کرد. (Borthakur, 2025: 2) این یک تغییر ژئوپلیتیک قابل توجه برای هند است. یکی از ویژگی‌های اصلی ژئوپلیتیک این است که ماهیت آن مدام در حال تغییر است. به قدرت رسیدن طالبان چشم‌انداز ژئوپلیتیکی افغانستان و سیاست و منافع کشورهای منطقه و جهان را در قبال آن تغییر داده است.

بازگشت طالبان به قدرت برای هند یک تحول شوم بود. در سال ۲۰۲۱، پاکستان به کشوری تبدیل شد که بیشترین تعامل را با کابل داشت و قوی‌ترین درخواست‌ها را برای تعامل بین‌المللی با مقامات جدید انجام داد. (International Crisis Group, 2024: 37) پاکستان که در غرب هند واقع شده هرگونه ارتباط حمل و نقل زمینی بین هند، افغانستان و آسیای مرکزی را مسدود می‌کند. به طور مشابه چین تجارت مستقیم بین هند و آسیای مرکزی را از طریق استان غربی خود سین کیانگ که بین شمال هند و آسیای مرکزی قرار دارد محدود می‌کند. شاید تحت نفوذ چین، پاکستان همچنان به ایجاد موانع برای هند در برقراری روابط تجاری و اقتصادی قوی با کشورهای آسیای مرکزی-اوراسیا ادامه داده است. خصومت بین هند و پاکستان به نفع تلاش‌های هژمونیک چین در اوراسیا از طریق طرح کمربند و جاده^۱ است. (Wani, 2023: 3) هند نه تنها به این طرح نپیوسته، بلکه آن را پروژه‌ای می‌داند که باعث تنش و رقابت منطقه‌ای و نقض حاکمیت کشورها است (وکیلی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۴۵). همچنین چین به طور فزاینده‌ای در آسیای مرکزی نفوذ پیدا کرده است.

چین و پاکستان علیه هند مؤتلف شده و طرح‌های رقیبی مانند طرح بندر گوادر و کریدور اقتصادی چین و پاکستان^۲ را در مقابل طرح‌های هند، مانند استفاده از بندر چابهار ایران برای دسترسی به افغانستان و آسیای مرکزی پیش برده‌اند. بندر چابهار در مجاورت بندر گوادر پاکستان است که توسط چین در راستای طرح کمربند و جاده توسعه یافته است. (Gurjar, 2023: 55) در نتیجه تضعیف پتانسیل چابهار در راستای منافع پاکستان است. چین در تلاش برای جذب افغانستان به این طرح است. در ۶ می ۲۰۲۳، در خلال پنجمین گفتگوی وزیران خارجه چین، پاکستان و افغانستان پویایی جدیدی در صفحه شطرنج منطقه‌ای پدیدار شد. وزرای خارجه این سه کشور بار دیگر بر کریدور اقتصادی چین-پاکستان که پروژه «گل سرسبد»^۳ تحت ابتکار کمربند و جاده چین نام گرفت تأکید کردند. این انتخاب ملاحظات ژئوپلیتیکی را نشان می‌دهد که چین و پاکستان را وادار کرد تا کابل را در این پروژه بگنجانند. این پروژه قرار است با استفاده از بزرگراه قراقرام،^۴ منطقه خودمختار اویغور غربی سین کیانگ چین را به سواحل دریای عرب بلوچستان متصل کند. (Aparna & Kumar Singh, 2024: 117)

گسترش کریدور اقتصادی چین-پاکستان به افغانستان فضای استراتژیک هند را محدود می‌کند. طالبان همچنین در حال برنامه‌ریزی برای ساخت یک جاده از طریق کریدور واخان است که افغانستان را به چین متصل می‌کند. پس از آماده شدن، به چین دسترسی مستقیم به آسیای مرکزی و خاورمیانه می‌دهد. (Ran-jan & Najafizada, 2025) بنابراین موانع جغرافیایی ناشی از سیاست‌های پاکستان و نفوذ چین دسترسی هند به آسیای مرکزی و تثبیت جایگاه آن به عنوان قدرتی پیشرو را با چالش مواجه کرده است. این رقابت ژئوپلیتیک با تلاش چین برای تغییر موازنه و تیرگی اخیر روابط میان پاکستان و طالبان، وارد فاز پیچیده‌تری شده است.

1. Belt and Road Initiative, BRI

2. China-Pakistan Economic Corridor

3. Flagship

4. Karakoram

پاکستان به قدرت رسیدن طالبان را پیروزی استراتژیک خود در کابل می‌دانست و انتظار داشت طالبان به نگرانی‌های امنیتی پاکستان، به ویژه نگرانی‌های مربوط به فعالیت‌های شبه‌نظامیان فرامرزی رسیدگی کند. اما ادامه پناه دادن طالبان به تحریک طالبان پاکستان^۱ که تهدیدی بزرگ برای امنیت داخلی پاکستان است یک معضل استراتژیک جدی ایجاد کرده است. در مجموع موضع سازش‌ناپذیر طالبان در مورد خط دیورند، مخالفت با حصارکشی مرز افغانستان و پاکستان و عدم تمایل برای مهار اقدامات تحریک طالبان پاکستان علیه پاکستان انتظارات پاکستان را برآورده نکرده و منجر به افزایش تنش در روابط دوجانبه شده است. (Chawla, 2025: 4) با کاهش نفوذ غالب پاکستان بر طالبان فرصتی برای هند و دیگر بازیگران منطقه‌ای ایجاد می‌شود تا به صورت استراتژیک خود را برای پر کردن خلأ قدرت نوظهور آماده کنند.

۴-۳. هند در مسیر فائق آمدن بر چالش‌ها

از مهمترین راه‌های غلبه بر چالش‌ها تلاش برای رابطه با طالبان افزایش تعامل با کشورهای آسیای مرکزی و استفاده از طرح‌ها و مسیرهای جایگزین برای دور زدن پاکستان، بویژه استفاده از بندر چابهار ایران است.

۴-۳-۱. ضرورت تعامل با طالبان

هند با رویکردی واقع‌گرایانه و سنجیده، برخلاف دوره پیشین برای تحقق اهداف استراتژیک و امنیتی خود با طالبان پس از ۲۰۲۱ تعامل می‌کند. دهلی‌نو با تحلیل تغییرات طالبان و ارزیابی استقلال و مشروعیت داخلی آنان این گذار را در راستای سیاست «اولویت با همسایه» جهت تضمین ثبات منطقه هدایت کرده است. این تعامل هدفمند ضمن تلاش برای پیشگیری از تبدیل شدن افغانستان به پایگاه گروه‌های تروریستی ضدهند کوششی برای مدیریت چالش‌های امنیتی مرزی و کاهش مخاطرات منطقه‌ای ناشی از بی‌ثباتی در مناسبات پیچیده افغانستان و پاکستان است. طبق گزارش شورای امنیت سازمان ملل متحد (۲۰۲۴)، «تروریسم ناشی از افغانستان در بیشتر سناریوها عامل ناامنی در منطقه و مناطق دورتر خواهد بود» و «همکاری بیشتر بین وابستگان القاعده و تحریک طالبان پاکستان می‌تواند تحریک طالبان پاکستان را به یک «تهدید فرمانطقه‌ای» تبدیل کند.» این امر در کنار تهدید رو به رشد داعش خراسان^۲ برای دهلی‌نو نگران‌کننده است. (Chawla, 2025: 5) تعامل با طالبان به دهلی‌نو اجازه می‌دهد تا خطوط قرمز را منتقل کند، واقعیت‌های میدانی را رصد کند و تضمین‌هایی را مبنی بر عدم استفاده از خاک افغانستان برای هرگونه فعالیت ضد هندی دریافت کند.

علاوه بر این منابع معدنی غنی افغانستان می‌تواند فرصت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی برای هند فراهم کند. سرمایه‌گذاری استراتژیک در بخش مواد معدنی خاکی کمیاب افغانستان می‌تواند راهی بالقوه برای دهلی‌نو باشد تا وابستگی فزاینده کابل به پکن را در این عرصه خنثی کند و نفوذ ژئوپلیتیکی هند را در سراسر منطقه افزایش دهد. موقعیت جغرافیایی افغانستان به عنوان دروازه‌ای به آسیای مرکزی برای هند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. افزون بر این نفوذ فزاینده چین، روسیه و ایران در افغانستان و حضور این

1. TTP
2. ISKP

کشورها در زمینه‌های اقتصادی و استراتژیک هند را وادار به تعامل با طالبان کرده تا جایگاه خود را حفظ کرده و از به حاشیه رانده شدن استراتژیک خود جلوگیری نماید. همچنین کریدور شمال-جنوب که به تسهیل ارتباطات هند با آسیای مرکزی کمک می‌کند از دیگر دلایل استراتژیک تعامل هند با طالبان است. مباحث حقوق بشری و کمک به مردم افغانستان از جمله دلایل دیگر است و در نهایت باید از شکاف فزاینده طالبان با پاکستان سخن گفت که فرصت‌هایی را برای هند ایجاد کرده تا روابط خود را با کابل تقویت کند. (Borthakur, 2025: 6-8)

این موارد سبب شد که علیرغم تخلیه سریع کارمندان و شهروندان از افغانستان و بستن سفارت و کنسولگری‌ها، هند به تدریج متمایل به توسعه روابط با طالبان شود. با این وجود سابقه تاریخی و ذهنیت منفی نسبت به یکدیگر ملاحظات برای تعامل مستقیم ایجاد می‌کرد. (Kumar Singh & Kumar Singh, 2024: 46) به همین دلیل در ژوئن ۲۰۲۲، کمتر از یک سال پس از تسخیر قدرت توسط طالبان «دهلی نو با اعزام یک تیم فنی به کابل برای «نظارت بر پرداخت کمک‌های بشردوستانه» یک چرخش در سیاست انجام داد. این تصمیم سفارت را که در ۱۵ اوت ۲۰۲۱ بسته شده بود دوباره فعال کرد». (D'Souza, 2024) این مسئله باب تعاملات دیپلماتیک بین هند و طالبان را گشود که در مهمترین و متأخرترین آنها در فوریه ۲۰۲۵، ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان اعلام کرد که تلاش‌هایی برای ایجاد نمایندگی دیپلماتیک بین افغانستان و هند در کابل و دهلی نو در حال جریان است.

در اکتبر ۲۰۲۵ در اثنای سفری که امیرخان متقی، سرپرست وزارت امور خارجه طالبان به هند داشت، دولت نازندرا مودی از ارتقای روابط خود با رژیم کابل خبر داد و اعلام کرد که ماموریت فنی فعلی خود در کابل را که از سال ۲۰۲۲ برقرار بوده است، به یک سفارتخانه کامل ارتقا می‌دهد (Roche, 2025: 1). متعاقب آن رسانه‌های هندی گزارش دادند که طالبان فهرست پیشنهادی دیپلمات‌های خود را به هند ارائه کرده است. بلومبرگ گزارش داد که دولت هند به زودی یک نماینده ارشد طالبان را خواهد پذیرفت. پیش از این، در ۱۳ نوامبر ۲۰۲۴، طالبان انتصاب اکرام‌الدین کامل را به عنوان سرکنسول موقت افغانستان در بمبئی تأیید کرد. (Borthakur, 2025: 1)

بدین ترتیب روابط هند و طالبان رو به بهبود نهاد و همزمان روابط پاکستان و طالبان تیره گردید. طالبان که از حمایت تاریخی پاکستان برخوردار بودند، اکنون با مخالفت‌های جدی پاکستان در مورد خط دیورند و اقدامات تحریک طالبان پاکستان روبه‌رو هستند. این مسائل باعث تنش در روابط دوجانبه شده و طالبان به دنبال اتحادهای جدید هستند. در این شرایط طالبان هند را به عنوان یک شریک قابل اعتماد و اقتصادی قوی می‌بینند. این تحولات به شکل‌گیری روابط مثبت‌تر هند و افغانستان کمک کرده است. (Chawla, 2025: 4) اگرچه افزایش اصطکاک بین طالبان و اسلام‌آباد انگیزه اصلی تعامل هند با طالبان نیست، اما این زمینه ژئوپلیتیکی در حال تحول بدون شک توسعه یک رابطه سازنده‌تر هند و افغانستان را تسهیل کرده است.

نقطه عطف این روابط در ۶ ژانویه ۲۰۲۵ صورت پذیرفت. در این روز هند حمله هوایی پاکستان در داخل افغانستان را «به صراحت محکوم» کرد و مقامات اسلام‌آباد را متهم کرد که همسایگان خود را به خاطر

شکست‌های داخلی خود سرزنش می‌کنند. (Kumar, 2025) موفقیت هند در تعامل با طالبان موقعیت استراتژیک این کشور را در برابر پاکستان تقویت کرده و نفوذ دهلی‌نو را در مسیرهای تجاری و منابع آسیای مرکزی تثبیت می‌کند. هند با بهره‌گیری از این موقعیت ژئوپلیتیک، ضمن خنثی‌سازی نفوذ چین و پاکستان می‌کوشد تا جایگاه مسلط خود را در جنوب آسیا حفظ نماید.

۴-۳-۲. تقویت همکاری استراتژیک و تجاری با کشورهای آسیای مرکزی

یکی از راه‌های غلبه بر چالش‌ها تعامل بیشتر با کشورهای آسیای مرکزی است، زیرا کشورهای زیادی مانند چین، روسیه و آمریکا نیز به این منطقه چشم دوخته‌اند. «فروپاشی شوروی سابق باعث تغییر سیاست خارجی هند در دهه ۱۹۹۰ از اتحادهای ایدئولوژیک و به سمت رویکردی عمل‌گرایانه‌تر شد. آسیای مرکزی به عنوان «خارج نزدیک» نامیده شد و هند شروع به توسعه روابط دوجانبه با پنج جمهوری جدید کرد» (Campbell, 2013: 2). با آغاز نخست‌وزیری نارندرا مودی در سال ۲۰۱۴ توجه ویژه‌ای به آسیای مرکزی شد. هند به دنبال ایجاد روابط سیاسی قوی‌تر و تقویت همکاری استراتژیک با کشورهای آسیای مرکزی برآمد. «هند در ژوئن ۲۰۱۲ به منظور تحقق اهداف خود ابتکار دیپلماتیک جدیدی را برای تعامل فعال با کشورهای آسیای مرکزی با سیاست «اتصال آسیای مرکزی»^۱ آغاز نمود که چارچوب آن بر اساس تعامل فعال سیاسی، اقتصادی و مردمی با کشورهای آسیای مرکزی، به صورت فردی و جمعی استوار است» (Momeni & Chaharmahali, 2024: 311).

«سفر تاریخی مودی در سال ۲۰۱۵ از پنج جمهوری آسیای مرکزی در درجه اول با هدف دمیدن پویایی جدید در استراتژی اتصال آسیای مرکزی انجام گردید». (Kaura, 2017: 25). این سفر یک چشم‌انداز استراتژیک و «یک نقشه راه برای حمل و نقل از طریق ارتباط دریایی و جاده‌ای از طریق ایران و افغانستان ارائه کرد». (Davé, 2024: 341). پیوستن هند به سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۱۷ و راه‌اندازی «گفتگوی هند و آسیای مرکزی» در سال ۲۰۱۹، تعاملات را بیش از پیش گسترش داد. (Ghiasi, 2025: 2). این تمرکز بر منطقه را می‌توان به تغییر ژئوپلیتیک منطقه به ویژه تشکیل ابتکار کمربند و جاده چین^۲ و تهدیدهای امنیتی خارجی برای منطقه نسبت داد. همگرایی پروژه‌های کمربند و جاده در منطقه با منافع اقتصادی تحقق نیافته هند در آسیای مرکزی، هند را بر آن داشت تا به راه‌های جدیدی برای همکاری اقتصادی تمرکز کند. (Menon & Rajiv, 2019: 5).

بر این اساس در سال ۲۰۲۱، هند بر اساس سیاست اتصال با آسیای مرکزی تقویت روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی با این منطقه را در پیش گرفت. مشخص است که روابط خوب با طالبان برای رسیدن به این هدف کاملاً ضروری است. در این راستا دهلی‌نو میزبان اولین نشست سران هند و آسیای مرکزی در سال ۲۰۲۲ بود و پس از آن نشست گروه کاری مشترک در مورد افغانستان بین دو طرف در اوایل ماه مارس ۲۰۲۳ برگزار شد. این تعاملات منعکس‌کننده افزایش همگرایی مواضع بین هند و آسیای مرکزی است. هند از سازمان همکاری شانگهای نیز برای تعامل بیشتر و مقابله به چالش‌هایی مانند

1. Connect Central Asia' Policy

2. BRI, Belt and Road Initiative

تروریسم بهره می‌برد. (Shekhawat, 2023: 15) همچنین هند با هر یک از کشورهای آسیای مرکزی در زمینه‌های تجاری و امنیتی معاهداتی منعقد کرده است. بعلاوه اینکه برای غلبه بر چالش‌های فوق سعی نموده از مسیرهای جایگزین استفاده کند.

۳-۳-۴. دور زدن پاکستان با استفاده از بندر چابهار ایران و دیگر مسیرها

هند برای رسیدن به آسیای مرکزی از مسیرهایی بهره می‌برد که بتواند پاکستان را دور بزند. کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال جنوب^۱ یک پروژه اتصال مهم است که هدف آن افزایش تجارت و اتصال بین هند، ایران، روسیه و آسیای مرکزی است. در جولای ۲۰۲۲، اولین محموله از طریق این پروژه از بندر آستاراخان روسیه به بندر جواهر لعل نهرو بمبئی رسید. (Wani, 2023: 4) علاوه بر این کریدور، ابتکارات به تعویق افتاده طولانی مدت مانند خط لوله ترکمنستان-افغانستان-پاکستان-هند^۲ که به دلیل چالش‌های امنیتی در افغانستان و پاکستان و همچنین تنش‌های مداوم بین پاکستان و هند با مشکل مواجه شده است نیز توجه سیاست‌گذاران هندی را دوباره به خود جلب کرده است. (Borthakur, 2025: 8) همچنین هند بندر چابهار را به عنوان یک گره حیاتی در این کریدور پیشنهاد کرد که «به دنبال اتصال روسیه و اروپای شرقی با هند از طریق مسیرهای جاده‌ای، ریلی و دریایی از منطقه دریای خزر و ایران است». (Gurjar, 2023: 55) به وسیله بندر چابهار امکان ایجاد ارتباط مستقیم بین افغانستان و هند بدون عبور از پاکستان وجود دارد. این امر روابط سیاسی، امنیتی و اقتصادی موجود بین دهلی نو و کابل را بسیار افزایش می‌دهد.

بندر چابهار که در ساحل مکران قرار دارد به دو دلیل اهمیت استراتژیک ویژه‌ای برای هند دارد؛ «اول اینکه نزدیکترین بندر به هند در ایران است که دسترسی به افغانستان و آسیای مرکزی را فراهم می‌کند. دوم، این بندر در کمتر از ۱۵۰ کیلومتری غرب بندر گوادر پاکستان واقع شده است که آن را برای پیگیری فعالیت‌های نظامی پاکستان یا چین ایده آل می‌سازد». (Kaura, 2017: 28) علاوه بر این «هند از طریق بندر چابهار به چهار شهر افغانستان از جمله هرات، قندهار، کابل و مزار شریف اتصال زمینی به دست می‌آورد که این امر باعث تسهیل روابط تجاری هند با افغانستان می‌شود». (Aparna & Kumar Singh, 2024: 122) این بندر پتانسیل لازم برای پیوند دادن هند به آسیای مرکزی، اروپا و روسیه را دارد و به عنوان اهرم دیگری برای تقویت نفوذ ژئوپلیتیکی هند عمل می‌کند. علاوه بر این هند می‌تواند پاکستان را دور بزند و حضور قدرتمندتری در کنار آن کشور ایجاد کند. به عنوان مثال ترانزیت در بندر چابهار به هند امکان دسترسی مستقیم به پایگاه نیروی هوایی که در تاجیکستان دارد، می‌دهد». (Amos, 2024: 2-3) البته در استفاده از بندر چابهار چالش‌هایی مانند روابط اقتصادی عمیق ایران با چین، نفوذ فزاینده چین در افغانستان و بویژه تحریم‌های امریکا نیز وجود دارد.

علیرغم تحریم‌ها، هند در ژانویه ۲۰۲۳ اعلام کرد که قصد دارد فعالیت خود را در چابهار افزایش دهد. به دنبال آن «یک هیئت اقتصادی بلندپایه طالبان در فوریه ۲۰۲۳ از چابهار بازدید کرد و یادداشت‌های تفاهم با ایران امضا کرد. مذاکرات بین طالبان و مقامات هند در رابطه با چابهار در ماه مارس ۲۰۲۳ در کابل

1. International North South Transport Corridor, INSTC

2. TAPI

برگزار شد که به توافقات جدید بین ایران و هند برای استفاده از بندر چابهار در آوریل ۲۰۲۴ ختم شد. در این سال توافق همکاری ۱۰ ساله میان شرکت‌های هندی و سازمان بنادر و دریانوردی ایران امضا شد که به هند اجازه می‌دهد این پایانه را اداره کند. هند در آوریل ۲۰۲۳ نشست افتتاحیه گروه کاری مشترک هند و آسیای مرکزی^۱ در مورد پروژه چابهار را با حضور نمایندگان از افغانستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان برگزار کرد. سرکنسول افغانستان در این بیانیه بر اهمیت بندر چابهار در تسهیل انتقال کمک‌های بشردوستانه به مردم افغانستان و ایجاد چشم‌انداز اقتصادی برای کارآفرینان و تاجران افغان تأکید کرد». (Aparna & Kumar Singh, 2024: 121) بنابراین ایران و افغانستان به عنوان شرکای تجاری و استراتژیکی مهمی برای هند محسوب می‌شوند به شرط اینکه در افغانستان صلح و ثبات و حکومتی حامی منافع هند برپا باشد و همچنین هند بتواند علیرغم تحریم‌های امریکا، با ایران تعامل مؤثری ایجاد کند.

نتیجه‌گیری

آسیای مرکزی به لحاظ اقتصادی و همچنین رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی برای هند بسیار حائز اهمیت است. آسیای مرکزی در دایره دوم قلمرو ژئوپلیتیک هند قرار دارد که هند می‌باید تأثیر قدرت‌های دیگر را در این دایره متعادل کرده و از منافع خود در رقابت با سایر قدرت‌ها دفاع کند. در این مسیر هند اگرچه تلاش زیادی برای دسترسی به آسیای مرکزی داشته، ولی با چالش‌های زیاد و پیچیده‌ای مواجه بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست هند برای دسترسی پایدار به آسیای مرکزی تحت تأثیر برهم‌کنش متغیرهای ژئوپلیتیکی، امنیتی و ژئواکونومیک قرار دارد و فرضیه مقاله مبنی بر اینکه تقویت روابط استراتژیک با طالبان و همکاری با ایران به‌ویژه از طریق بندر چابهار می‌تواند مهم‌ترین چالش‌های هند در مسیر دسترسی به آسیای مرکزی را کاهش دهد قابل تأیید است.

تحلیل نظری مبتنی بر رویکرد ژئوپلیتیک نشان داد که محدودیت‌های جغرافیایی، فقدان مرز مستقیم با آسیای مرکزی و خصومت ساختاری با پاکستان، هند را ناگزیر ساخته است تا به مسیرهای جایگزین و بازیگران واسطه، به‌ویژه افغانستان و ایران اتکا کند. در این چارچوب افغانستان نه تنها یک واحد سیاسی مستقل، بلکه یک گره ژئوپلیتیکی و کریدور ترانزیتی حیاتی در پیوند جنوب و مرکز آسیا تلقی می‌شود که کنترل یا نفوذ بر آن می‌تواند توازن قدرت منطقه‌ای را به نفع هند تغییر دهد. تحولات پس از ۲۰۲۱ و بازگشت طالبان به قدرت اگرچه در کوتاه‌مدت موجب تضعیف دستاوردهای دو دهه حضور هند در افغانستان شد، اما در میان‌مدت زمینه‌ساز بازتعریف رویکرد دهلی‌نو به افغانستان گردید.

برخلاف دهه ۱۹۹۰، هند این بار رویکردی عمل‌گرایانه و تدریجی را در پیش گرفت و تعامل محدود، اما هدفمند با طالبان را به عنوان ابزاری برای مدیریت تهدیدات امنیتی، مهار نفوذ پاکستان و چین و حفظ مسیرهای دسترسی به آسیای مرکزی برگزید. این تغییر رویکرد نشان‌دهنده گذار سیاست خارجی هند از هنجارگرایی و ملاحظات ایدئولوژیک به محاسبات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک است. در همین راستا بندر چابهار و کریدور بین‌المللی شمال-جنوب به عنوان مؤلفه‌های کلیدی راهبرد هند برای دور زدن پاکستان و کاهش آسیب‌پذیری ژئوپلیتیکی مطرح شده‌اند.

تحلیل رقابت‌های منطقه‌ای نیز نشان داد که ائتلاف چین-پاکستان و تلاش برای ادغام افغانستان در پروژه‌هایی نظیر کریدور اقتصادی چین-پاکستان فضای مانور هند را محدود کرده است. با این حال شکاف‌های نوظهور در روابط طالبان و پاکستان و نیز نیاز طالبان به مشروعیت، سرمایه‌گذاری و تنوع شرکای خارجی فرصت‌هایی را برای هند ایجاد کرده است تا با استفاده از دیپلماسی اقتصادی، کمک‌های بشردوستانه و سرمایه‌گذاری زیرساختی جایگاه خود را در افغانستان بازسازی کند. در این میان همکاری با کشورهای آسیای مرکزی از طریق سازوکارهایی مانند گفت‌وگوی هند-آسیای مرکزی و سازمان همکاری شانگهای مکمل راهبرد افغانستان محور هند محسوب می‌شود و می‌تواند به افزایش اعتماد متقابل و همگرایی منطقه‌ای کمک کند.

موفقیت راهبرد هند در آسیای مرکزی به تداوم ثبات در افغانستان، مدیریت هوشمندانه تعامل مشروط با طالبان برای رفع نگرانی‌های امنیتی، تعمیق همکاری زیرساختی با ایران در بندر چابهار و تنوع بخشی به دیپلماسی اقتصادی-دیجیتال بستگی دارد. از آنجا که افغانستان حلقه واسطه ژئوپلیتیکی هند است، دسترسی پایدار به آسیای مرکزی بدون ایفای نقشی فعال در این کشور ممکن نیست. لذا پیشنهاد می‌شود هند با تدوین راهبردی چندلایه تعامل با طالبان را با همکاری با ایران و هم‌افزایی منطقه‌ای پیوند بزند تا از فرصت‌های نوظهور بهره‌برداری کرده و جایگاه خود را در نظم در حال گذار اوراسیا تثبیت نماید.

منابع

- حسین پور، رضا، مجتهدزاده، پیروز، حافظ نیا، محمدرضا، عزتی، عزت الله (۱۳۹۱)، تبیین ژئوپلیتیک روابط قدرت در منطقه شبه قاره هند پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۸ (۳)، ۳۴-۱. doi.20.1001.1.17354331.1391.8.27.1.1
- شفیع، نودر، فرجی، شهریار، متقی، افشین (۱۳۹۱)، «رویکرد هند در قبال افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (با نگاه به ایران)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۸ (۲)، ۱۵۲-۱۲۵. doi.20.1001.1.17354331.1391.8.26.5.3
- محرابی، علیرضا، اقتدارنژاد، محمد (۱۳۹۳)، مدل تبیینی ژئوپلیتیک پاکستان در حوزه رقابت و همکاری با جمهوری اسلامی ایران، مطالعات شبه قاره، ۶ (۲۰)، ۲۲۳-۱۹۹. doi.10.22111/jsr.2015.1793
- محمدی، حمیدرضا، زارعی، بهادر (۱۴۰۳)، واکاوی راهبرد امنیت ملی ایالات متحده آمریکا پیرامون رفتار ژئوپلیتیکی روسیه در دوره جو بایدن (۲۰۲۰-۲۰۲۴)، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۲۰ (۳)، ۹۷-۵۸. doi.10.22034/igq.2024.406135.1786
- وکیلی، بهنام، کریمی، مهدی، طبرسی، محمدرضا (۱۴۰۲)، مخاطرات استراتژیک هند در چارچوب ابتکار «یک کمربند یک راه»، مطالعات بین المللی، ۲۰ (۱)، ۱۶۷-۱۴۵. doi.10.22034/isj.2023.377029.1956

References

- Ahmad Ganaie, R. & Ahmad Ganaie, M(2022) .), India's Afghanistan Policy: A Quest for Strategic Space Post the US Withdrawal. Humanities and Social Sciences Communications,

- 9 (462), 1-8. doi.org/10.1057/s41599-022-01489-7
- Amos, L. (2024), India's Rising Geopolitical Influence. Asia Pacific Security Magazine, APSM, July 11, Available at: <https://www.asiapacificsecuritymagazine.com/indias-rising-geopolitical-influence/>
 - Aparna & K, A. (2024), Evolving India-Afghanistan Relations: The BRI Context, in: Emerging Dynamics of India-Afghanistan Relations, Regional Cooperation vs Global Geopolitics. New Delhi, Jawaharlal Nehru University. doi.org/10.1007/978-981-97-4707-8
 - Barari Reykandeh, K. & Mozaffari Falarti, M. (2023), Central Asian Republics: India's Shifting Foreign Policy Landscape under Narendra Modi. Journal of Iran and Central Eurasia Studies, 6 (1), 15-28. doi.org/10.22059/jices.2023.95140
 - Bhatnagar, A. (2014), The Afghanistan Factor in India's Approach to Central Asia. ORF, Observer Research Foundation, 78. 1-8.
 - Borthakur, A. (2025), Navigating Complexities: India's Strategic Diplomacy vis-à-vis the Taliban 2.0 in Afghanistan. Chintan Research Foundation, 16, 1-20.
 - Campbell, I. (2013), India's role and interests in Central Asia. Saferworld, London, The Grayston Centre, Available at: <https://www.files.ethz.ch/isn/172940/indias-role-and-interests-in-central-asia.pdf>
 - Chawla, Sh. (2025), Geopolitics & Diplomacy India's Approach to Taliban 2.0: Cautious and Persistent. South Asian Voices, Available t: <https://southasianvoices.org/geo-f-in-n-india-taliban-cautious-and-persistent-03-28-2025/>
 - D'Souza, S. M. (2024), India's Leap of Faith in Afghanistan: Tango with the Taliban. The Diplomat. November 13, Available at: doi.org/10.1177/02627280231190790
 - Davé, B. (2024), India in Central Asia, In: Lempp, J., Mayer, S. (eds) Central Asia in a Multipolar World. Contributions to Political Science. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-031-63727-8_20
 - Ghiasi, F. (2025), Afghanistan at the Center of India-Central Asia Summit. Hashte Sobh, Available at: <https://8am.media/eng/afghanistan-at-the-center-of-india-and-central-asia-dialogue/>
 - Gurjar, S. (2023), The Iran Challenge: Unraveling India's Foreign Policy Dilemma. Journal of Indo-Pacific Affairs, 6 (5), 47-60.
 - Hosseinpour, R & Mojtahedzadeh, P & Hafeznia, M & Ezzati, E. (2012), Geopolitical Elucidate of the Power Relations in the Indian Subcontinent After 11 September 2001 . International Quarterly of Geopolitics, 8 (27), 1-34. doi.20.1001.1.17354331.1391.8.27.1.1 (In Persian)
 - International Crisis Group. (30 January 2024), The Taliban's Neighbourhood: Regional Diplomacy with Afghanistan. Asia Report N°337, Available at: <https://www.crisisgroup.org/asia/south-asia/afghanistan/337-talibans>
 - Kaura, V. (2017), India's Aims in Central Asia and India-Afghanistan-Iran Triangular Relationship. The Journal of Central Asian Studies, XXIV, 23-41.
 - Kaura, V. (2023), India-Taliban Relations: A Careful Balancing Act, Driven by Pragmatism. May 30, Middle East Institute, Available t: <https://www.mei.edu/publications/india-taliban-relations-careful-balancing-act-driven-pragmatism>
 - Kothari, K. (2020), India's Strategic Interests in Central Asia, World Affairs. The Journal of International Issues, 24 (1), 100-117.
 - Kumar Singh, R & Kumar Singh, Sh. (2024), Emerging Dynamics of India-Afghanistan Relations, Regional Cooperation vs Global Geopolitics. New Delhi, Jawaharlal Nehru University. doi.org/10.1007/978-981-97-4707-8

- Kumar, R. (2025), Why is India Courting the Taliban Now. Al Jazeera, 11 Jan, Available at: <https://www.aljazeera.com/features/2025/1/11/why-is-india-courting-the-taliban-now>
- Mehrabi, A & Eghtedarneshad, M. (2014), Explanatory, Geopolitical Model of Pakistan Regarding the Competition and Cooperation with Islamic Republic of Iran (With the Focus on the Position and Regional Role), Journal of Subcontinental Researches, 6 (20), 199-223. doi.10.22111/jsr.2015.1793 (In Persian)
- Menon, R & Rajiv, Sh. (2019), Realizing India's Strategic Interests in Central Asia. December 1, Carnegie Endowment, Available at: <https://carnegieendowment.org/posts/2019/12/realizing-indias-strategic-interests-in-central-asia?lang=en>
- Mohammadi, H & Zarei, B. (2024), Exploring the US National Security Strategy concerning Russia's Geopolitical Conduct throughout the Joe Biden Era (2020-2024), International Quarterly of Geopolitics, 20 (3), 58-97. Doi.10.22034/igq.2024.406135.1786 (In Persian)
- Mohan, C. R. (2006), India and the Balance of Power. Foreign Affairs, 85 (4), 17-32. doi.org/10.2307/20032038
- Nandan, D & Chauhan, B & Kumar, R (2022) .), The Geopolitical Importance of Afghanistan for India in the 21 St Century. journal of the Asiatic Society, XCV (28), 104-112.
- Peerzada, T. A. (2021), A Study of India's Policy in Afghanistan Since 2001. Kardan Journal of Social Sciences and Humanities (KJSSH), 4 (1), 34-43, doi:10.31841/KJSSH.2021.3
- Pradhan, R. (2018), India's Expanding Interests in Central Asia Policies. Issues and Challenges. Journal of Central Asian Studies, 25 (1), 45-63.
- Ranjan, S. S. & Najafizada, E. (2025), India to Allow Ambassador-Level Taliban Post to Counter China. February 19, Bloomberg, Available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2025-02-19/india-to-allow-a>
- Roche, E. (2025), India Upgrades Ties with Taliban Regime. The Diplomat, Available at: <https://thediplomat.com/2025/10/india-upgrades-ties-with-taliban-regime/>
- Rowden, R. (2020), India's Strategic Interests in Central Asia and Afghanistan Go Through Iran. New Lines Institute, December 18, Available at: <https://newlinesinstitute.org/geo-economics/indias-strategic-interests-in-central-asia-and-afghanistan-go-through-iran/>
- Shafiee, N & Faraji, Sh & Mottaghi, A. (2012), India Approach toward Afghanistan after September 11, 2001 (with look to Iran), International Quarterly of Geopolitics, 8 (2), 125-152. doi.10.1001.1.17354331.1391.8.26.5.3 (In Persian)
- Shekhawat, Sh. (2023), India's Stakes in Taliban-Ruled Afghanistan. ORF, Observer Research Foundation. 652, Available at: <https://www.orfonline.org/public/uploads/posts/pdf/20240401134912.pdf>
- Vakili, B & Karimi, M & Tabarsi, M (2023) .), India's Strategic Risks in the Initiative Framework of the One Road-Belt. International Studies Journal, 20 (1), 145-167. Doi.10.22034/isj.2023.377029.1956 (In Persian)
- Wani, Ayjaz. (2023), Slow, Not Steady: Assessing the Status of India-Eurasia Connectivity Projects. Observer Research Foundation, 610, 1-22.
- Xuezh, Y. (2021), India's Foreign Strategy from the Perspective of Geopolitical Logic. International Relations and Diplomacy, 9 (6), 225-231. doi.10.17265/2328-2134/2021.06.002

